5000000000

امروز بامولانا



THE REAL PROPERTY.

A LEGIS

A MET METHOLDER

وقتى كلانشهرها توازن خودرااز دست مىدهند

اختلاف فرهنكي ياحداقل نوعسي تنوع فرهنكي مواجه هستیم که مثلااستفاده در ســت از مترو، اتوبوس و دیگر

رفتارهای شهروندی رامختُل می کند. در چنین شرایطی توازن کلاتشهرهااز دست می رود و چندگانگی به وجود

خود به خودي مناسبات فرهنگي هم اصلاح مي شوند ما

ر سریسی رفت ہی سی صبح یہ صوری ہر جاسعہ سے ہم شدہ است. رشـــد این فناوری با سرعتی سرساماً ور اتفاق

در ُشرایطی زندگی می کنیّم که فناوری بر جا



A STATE OF THE REAL PROPERTY.

il Ma



خوش باش که خوش نهاد باشد صوفی صوفی صاف است غم بر او ننشیند کیخسـرو و کیقبـاد باشــد صوفــی

از باطــن خویــش شــاد باشــد صوفی

0

یکخبر|یکنگاه

حریم کاخ موزه قصر نیز با ساخت پاساژ تهدید شده است. کاخ عشرت آباد از کاخهای ییلاقی

سته است. تا طسوت بادار صحیحای پیرکی ناصرالدین شاه در بیــرون از حصار تهــران و خانههــای پیرسون آخونی دودمــان قاجار، کاخ مخانههــای پیرامون آن در اختیــار نهادهای نظامی قــرار گرفــت. ایــن کاخ همچون کاخ ســـاطنت آباد، قصر فیــروزه و کاخ نیاوران که

ز همــه خانههـای کوچـک، محوطــه و کل

برش

ز آن جهـت بــه زندگـــی

شیاهت دارد که همچون زندگیی، تولید و میرگ

ا با هــم دارد. ايــن رمان

در قطار روایت می شود. «لئون دلمن» ماجرای

قطــار شــروع شــده را در ذهن به تصویر می کشد و مخاطب نیز به عنوان یکی از مسافران قطار پاریس-

حضور می یابد و نامی برای خود می گزیند. لل بوتور» به عنوان یکی از پیشگامان

«رمان نــو» بانگاهی منحصــر و نیمنگاهی به رمان سـنتی توانســته به نوعی از «رمان نو» دســت پیدا کند که در نوع خود بی نظیر است

و در واقع او نویسندهای صاحب سبک است که با شیوهای کامیلا متفاوت از پیشگامان

عاشــقانهاش که در هم

محوكاخ عشرت آبادميان ساخت و ساز

لحظه به لحظـه بالاتر می رونـد. اکنون منظر بصـری کلاه فرهنگی از سـمت جنوب کاملا بسری کرد مرحلی از سبت که بارها و کور شده است. این در حالی است که بارها و بارها مسئولان میراث فرهنگی و شورای شهر عنوان کردند که با مالکان کنونی این اثر برای عنوان دردند که با مالدان دنونی این اتر برای توقف این ساخت و سازها به توافق رسیدهاند. کاخ کاره فرنگی عشر تاباد در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۴۶ با شسماره ثبت ۶۴۸ بعنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است و عمارت کلاه فرنگی عشرت آباد ساختمانی از دوره قاجار است که در خاور تهران، در میدان عشرتآباد (میدان ســپاه)، پادگان عشرتآباد

مسجدجامعی، عضو شـورای شهر و مسئولان میراث فرهنگی و شهرداری از منطقه ۶ تهران که این کلاه فرنگی هم در آن جای گرفته، قرار

«دگرگونےی» روایت

زندگیی مرد میانسالی است که درگیرودار ماجرای عاشقانهای رنگ

میباُزد و در جست وجُوی

هستی از دست رفته به درون خودش نقب

می زند و در ایس حال و می نصب هوا آنچه به کنشی واقعی در او می انجامد واقعیت

تغییریافته اوست که در

انتها منجر به تصمیمی متفاوت شود این کندوکاو

6 ▲

تنها نبوده و در خیال پردازی های ماهرانه

شنیدن آن به هیچ روی خسته نمی شود. قطار نماد زندگی است، حرکتها و سکونهایش

اسکلتهای فلزی اطراف کاخ عشرت آباد ساختوساز در تهران به حدی سرعت گرفته

در مناطق پیرامونی تهران ساخته شده بودند بیشتر کاربری تشریفات و ییلاقی داشت. این بنا در سال ۱۳۴۶ در سیاهه آثار ملی ثبت شد اما به دلیل نظامی بودن محوطه امکان باز دید و نگهداری و بازسازی وجود نداشت. هم اکنون (پادگان ولیعصر) جای گرفته است. به گزارش chn، پیش تر پس از باز دیداحمد ر محموعه تنها کاخ اصلی بر جای مانده است. کاخی کـه ممکن است دیر یـا زود به دلیل بود که با مسئولان سپاه برای صیانت از این کاخ وارد مذاکره شوند اما در حال حاضر روند عــدم توجه مســئولان در میان ساختوســاز محو شود.

10 A

عاشقانهای که رنگ می بازد

ميشلبوتور



ت شغلی و اقتصادی مردم و بهطور کلی مناس اقتصادی حاکم بر روابط اجتماعی مابر بروز بسسیاری از معضلات اجتماعی تأثیر می گذارند واقعیت این است که وقتی مردم به لحاظ معیشتی دچار مشکل و مجبور باشند برای گذران زندگی در جاهای مختلفی کار کنند، خسته می شوند و نیمه جان به خانه هایشان باز می گردند. فردوقتی عصبی می شود دیگر حتی تحمل کوچکترین هیجان و سر و صدای فرزندش را هم ندارد. آنها خسته اند و دیگر ظرفیت ندارد. سرمنشاً بسیاری از مشکلات و

. عصبیت هایی که هـ ر روز در کوچه و خیابان شاهدش هستیم، همین موضوعات اقتصادی است. مردم ما امروز

عصبیتهایشان رابر سراوخالی کنند. معضلات اقتصادی و نبود رابطه متقابل بین در آمدوهزینههای زندگی، عامل ما كشاورزان نتوانند به درستى و باوجُود شرايط مساعد دلیل که با زندگی شهری خو نکردهاند، به صورت خود به خودی و بدون داشتن نیت سـو»، برخی رفتارها را ایجاد

رری -رسیر-- رسست می رودو چند ناعی به وجود می آیسد در مجموع بایسد گفت ریشه های فرهنگ در اقتصاد پنهان شدهاند اگر اقتصاد درست شود، به صورت ر کر کر . اصلی وجود چنین مشکلاتی است. از همین رهگذر شالوده تمامی علتهایی که باعث بروز خشونتهای رفتاری می شود، این مسأله است. از سوی دیگر شاهد دُخالُت فرهنگ در چنین چرخهای هُستیُم. واقعیُت آن است که وقتی مناسبات اجتماعی سر جای خود نباشند، میافتد تا آنجا کـه بهعنوان مثال تلفنهمــراه هر کدام از ما تنها چند ماه لقب جدیدترین گونــه را با خود یدک می کشــد اما چند ماه بعد گونه جدیدتری می آید و این همه چیز وارونه می شود. به عنوان مثال وقتی در روستاهای به حرفه اصلی خود بیر دازند، به شهر می آیند و به این سیکل به صورت پی در پی ادامه پیدامی کند. حالا در نظر بگیریدموبایل وقتی وار دجامعهای می شود که محل ایجاد



موقعيتهايمازدسترفت!

بارز من در زندگی شــخصی و علمی است و بهنظرم ریشــه در علایق آزاداندیشــانه من دارد)، در پارهای

موارد متناسب با وضع موجود نبود بارها برايم ايجاد

فرار داد بحسی ار این ویر نسی در منطوده براییم مشکل ایجاد کردمناظره من بایک چهرهسیاسی در برنامه زاویه که بازتاب گستر ده جهانی داشت، یک از همان مصادیقی است که هنوز هم که هنوز است، پسلرزههایش برایم مشکلاتی را به وجود می آورد. یکی از انتقادهای دیگر م به لطف الله اجدانی آن است

یمی را مطالعه ی پیرا به سال که باید، به مسالل که در طول زندگی اش آن گونه که باید، به مسالل مادی اهمیت نداد امروز سرم به سنگ خور ده و به این نتیجه رسیدهام که مسائل علمی حتی در

نگاه می کنم، می بینم با توجه به توانایی هایی که در حوزه خودم داشتم، می توانستم فرصتهای زیادی

حوزه خودم داشتم، می توانستم فرصتهای زیادی بسازم اما این کار رانکردم. مشکلات مالی کاری کرد

. که نتوانم آنگونه که باید، پیش بروم، به همین خاطر هم هست که توانایی های علمی من بستر لازم را

راکر برای حضور و ظهور در فضاهای بهتر نیافتند یکی دیگر از انتقادهایم به خوداین است که باوجود آن که

همیشه سعی کردهام از منظر علمی بهطور عقلانی به موضوعات بنگرم، در روابط اجتماعی و شخصی خویش اساسا آدم عاطفی هســـتم. امروز که قدری

رت را از از ان مسأله زندگی می نگرم، متوجه می شوم عاطفی بودن و گذشت بیش از حددر رفاقت ها برایم



اگرهرفرد،نگاهی از سردقت به گذشته خودداشته باشد، اُشْتباُهاتی در اَفْکَار ، رُفتار وزندگی خود می بیند. من نیز چنین وضعی را شــاهدم. یکی از نقاط ضعف و در خور انتقاد برای من، از دســت دادن فُر صت هایے , ر در خور سعد بودند. منظور از متفاوت بودن این از جنس متفاوت، بودند. منظور از متفاوت بودن این فرصتها آن اسـت که جزو معـدود موقعیتهایی . فســـتند كه ممكن اســت در زندگی آدم هـــا، اتفاق بیفتند به عنوان مثال، در زمان دانشـجویی در دوره كارشناسي ارشد فرصت بسيار مناسبي براي حضور در عرصه اجرایی در وزارت امور خارجه داشتم که متاسفانه به دلیل شـوق زیاد به مسائل علمی، آموزشـــی و پژوهشـــی از آن فرصت دور ماندم. امروز وقتی به گذشـــته نگاه می کنم می گویم، کاش از آن فُرصت استفاده می کردم. بخشی از افسُوس من به اَن خاطر اســت که اگر قدر آن موقعیت را دانسته بودم، می توانستم بخشی از علایق و تلاش های علمم , خُود را در قالب مناسبی در زمینه کاری وزارت امور خارجه به کار گیرم متاسفانه آن موقعیت از دست رفت. شاید خالی از تندرویهای ناشی از احساساً تزدگی و تعصبات ناشی از شیفتگی عمیق یا تنفر شدید نبوده باشد. به تدریج اما به این باور رسیدم که حاکمیت

عقلانیت و اعتدال در افکار و اعمال انسان، کنشها و واکنشهٔای بهتری پیشُروی انسان می گذارد. به

آن خاطر که صراحت لهجه (که یکی از ویژگی های

ایده آلی برخور دار هستند و آموزشَ های لازم را

هر انســان ویژگی خاص خــود را دارد و رفتار و اعمالش مختص خود اوســت بــه همین دلیل می توانید در این دُنیا، دو نفر را پیدا کنید سی و بیت در بین دید. که تمام رفتار و عقایدشان شبیه به هم باشد! اما تنها موضوعی که شاید تمام انسانهای کرهزمین درباره آن نظر همسو داشته باشند یا در قبال آن یک رویه واحد اتخاذ کنند، توجه به تربیت و آموزش کودکان اسـت. بچهها یکی فردای کشور هستند و باید در تربیت و ترویج اخلاق درست میان آنها، توجه ویژهای مبذول دارند. فُرهنگی که در جامعه ما طی سالهای اخیر جا افتاده، توجه پدر و مادران به تربیت کودکانشان است. کودکان امروز از شرایط

یورهی پیشد. کودکان امــروزه دیگر نمی تواننــد به راحتی در محافــل عمومــی و اجتماعی بــازی کنند و ارتباط قوی بــا افراد غریبه بگیرند زیرا شـــرایط نسبت به گذشــته تغییر کرده اســت و از طرف دیگر خیابان و کوچه، محلی مناسبی برای بازی بچه ها نیست. اما در ایس میان پدر و مادران برنامه های ویدژه ای را برای تربیت و آموزش فُرُزندانشان تدارک میبینند. ایس آموزشُها برای کودکان غالبا به کلاسهای آموزشی و

ر . . . نوار دی اشتباه قرار می گیرند. این مسأله هم بر مناسبات جتماعی مااثر می گذارد. کافی است پس از یک روز کاری

خسته کننده وارد مترو شوید و در شلوغی مترو، شنونده دعوای مردی باهمسرش پشت تلفن همراه باشید. بخشی از این تنش هاخواسته یا ناخواسته به شمامنتقل می شود

ر آدی و وقتی به خانه می روید شرایط چندان مساعدی ندارید. به همین خاطر است که معتقدم سر چشمه تمام معضلات

به همین حاطر است قامه متقدم سرچتمه امهام معصارات اجتماعی مسالل اقتصادی و مشکلات فرهنگی هستند. وقتی با انسان های که به گفتوگ و اهمیت می دهند. نیستدویشتر به ایزار جمانی فکر می کنندمواجمی شوید طبیعی است که مناسبات اجتماعی دچار اشکالات جدی خواهد شد.



كودكانامروز،فرهنك كذشتهرابياموزيم

ته محدود میشود، که بســیار تاثیر گذار

سربســـته محدود میسود، د. اســـت. کلاسِ های متعــددی که ایـــن روزها در ۱۹۰۰ مالیم، فتار های سطح شهر برگزار میشــود در تعالیم رفتارهای کودکان تأثیر میگذارد. کلاسهای موســیقی ته ایسن روزها ترتیب داده شده، مسورد تو-بسیاری از خانوادهها و کودکان قرار گرفته اس ر درا موسیقی می تواند به بچه ها نکات مفیدی بیاموزد. در این کلاسها کودکان یاد می گیرند چگونه معاشرت کننسد. درباره موضوعات مُختُلف فكر كنند و رفتار مناسبي ياد بگيرند. كسودكان امروز ما با كمي تأمل و قسرار گرفتن در مسیر درستی که خانوادههایشان برایشان برمی گزینند، می توانند از آیندهای نیک برخوردار شوند و برای جامعه، فردی مفید و

مباحث مهم است و می بینیگم که کار گاه آموزشی نیز در سراسر ایران برای بهبود تربیت کودکان اجرا می شبود که خود ایس نیز بسرای آموزش و ربیت کــودکان، تأثیر بســزایی دارد. من در این کارگاهها، گاهی آمــوزش میدهم و برای کودکان مثالهایسی را میزنسم که موضوعات برایشان به گونهای دیگر، تفهیم شـود. برای مثال زورخانه نيد. زورخانه يا همان خاند پهلواني، يكي زُ أَن محافلي اُست كه ميشمود ادب، احترام و ت زندگی را در آن دیــد و به بچهها ررین نیز آموخت باید از تاریخ کشــورمان و روابط نیک مردم بــا یکدیگر بــرای کودکان صحبــت کرد. کودکان همه چیز را با دقت نگاه می کنند و آنها را نیزُ در افکار و زندگی خود پیاده می کنند

برشی از کتاب «دگر گونی»

دیوارهای شیراز نای نفس ندارند

دیوارهای شهر فرهنگی شیراز چندسالی می شود که شکل نازیبایی به خود گرفته است.این موضوع از آنجاشروع شد که عدمای فرمت طلب بانادیده گرفتن حقوق شهروندان دیگر، برای کسب در آمد، اسپری رنگی به دست گرفتندود بوارهای شیراز رامحل مناسبی برای تبلیغات دانستند.



